

کسی کو عقل دور اندیش دارد
ز دور اندیشی عقل فصولی
صردانیت تا نوبت آن روی
دو چشمی فلسفی چون بود اول
ز بنیای آمد رای تشبیه
نسانسخ زان سبب شد کفر و باطل
چو آن که بی نصب از حرکت
رمد دارد دو چشم اهل ظاهر
کلام چون ندارد اهل توحید
در وارخچه گفتند از کم پیش
منزه ذاتش از جند و چه چون

بسی کشتگی در پیش دارد
یکی شد فلسفی دیگر جلوی
ز وحدت چشم دیگر جوی
ز وحدت دیدن حق شد معطل
ز یک چشم است او را کات تزیه
که ان از تنگی چشمی گشت حاصل
کسی کو را طریق اعتراف است
که از ظاهر نه بیند جز مظاهر
تا یکی در است از عین تقلید
نشانی داده اند از دیدن حوش
تعالی شان غایقو لون

سوال

که امین فکر ما شرط اهدت

چرا که طاعت و که کناست

جواب

در افکار کردن شرط را

ولی در ذات او نفس کناست